

گزارش ملی بلایای طبیعی کشور

یکی از پروژه‌های تعریف شده در برنامه مشترک دولت ایران و برنامه عمران ملل متحد که در راستای دستیابی به اولین هدف این برنامه می‌باشد، تهیه گزارش ملی بلایای طبیعی جمهوری اسلامی ایران است. در این گزارش سعی شده با استفاده از اطلاعات و تجربیات مشاور در این زمینه تصویری از وضعیت حال حاضر کشور در زمینه سوانح طبیعی ارائه شود.

با توجه به اهمیت سه سانحه زمین‌لرزه، سیل و خشکسالی در ایران، این سه سانحه مبنای تهیه این گزارش قرار گرفته و از جنبه‌های مختلف بررسی شده است.

سیر تحول مدیریت خطرپذیری سوانح طبیعی در ایران به سه دوره قبل از زلزله منجیل (1369)، بعد از زلزله منجیل تا زلزله بم (1382) و پس از زلزله بم تقسیم شده و هر کدام به تفکیک پرداخته شده است. قوانین و برنامه‌های اصلی مدیریت بحران و کاهش خطرپذیری کشور بررسی شده و پس از آن آموزش، آگاهی و آمادگی همگانی در برابر سوانح طبیعی در سه بخش عمومی، کودکان و نوجوانان و دوره‌های آموزشی ضمن خدمت آموزگاران مدارس بررسی شده است.

نهادهای دولتی، غیردولتی و بین‌المللی فعال در کشور نیز به تفکیک معرفی شده است. در انتهای گزارش مشاور به جمع‌بندی گزارش و نتایج حاصله به شرح زیر پرداخته است:

«با توجه به گستردگی و فراوانی سوانح طبیعی در ایران و تاثیرگذاری آن در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تقریباً اکثر نهادهای جمهوری اسلامی ایران با این امر درگیر هستند و به نحوی مسئولیت دارند لذا در کنار تکرر وقوع حوادث و سوانح، سازمان‌های ذی‌ربط تجربیات متعددی را در جهت کاهش آثار سوانح کسب نموده‌اند و نظام مدیریت بحران رشدی تدریجی را تجربه نموده است. در عین حال در این خصوص برخی چالش‌ها و خلاءهای ذیل وجود دارد که با اجرایی شدن «سیاست‌های کلی پیشگیری و کاهش خطرات ناشی از سوانح طبیعی و حوادث غیرمترقبه» توسط دولت کاهش پیدا خواهد کرد.

ترتیبات سازمانی پیرامون تبادل اطلاعات و هماهنگی در سطوح کلان کشوری نسبتاً مناسب و مرتب است، لیکن در سطوح بین‌بخشی و نیز سطوح منطقه‌ای و محلی به دلیل نبود ساختارهای مناسب تعاملاتی، مشکلات زیادی وجود دارد و وظایف مشابه در این سطوح به میزان قابل توجهی وجود دارد که این امر می‌تواند منجر به ناهماهنگی دستگاه‌های اجرایی و در نتیجه انجام فعالیت‌های موازی توسط ارگانهای مختلف شود.

در بررسی توانمندی‌های سازمانی که در بخش‌های فوق به آنها اشاره شد، تنها چیدمان سازمانی مربوط به هر یک از کارکردها تعریف شده است و هنوز مکانیسم اجرایی لازم برای تعیین نحوه تعاملات، چگونگی ارتباط بین سازمان‌های مسئول، همکار و پشتیبان، کیفیت اطلاعات مبادله شده و روندهای استاندارد عملیاتی تهیه یا اجرایی نشده است. این مساله بخصوص در برنامه‌ریزی و اجرای عملیات و کنش اضطراری می‌تواند مشکلات زیادی را ایجاد نماید.

دانش نوین مدیریت خطرپذیری در کشور ما بسیار جوان می‌باشد، لذا استقرار سیستم‌های مدیریت سوانح نیازمند حمایت و تجربه خاص و سرمایه‌گذاری می‌باشد. همچنین پرسنل شاغل در بخش‌های مرتبط با موضوع کاهش خطرپذیری در اغلب سازمان‌ها فاقد دانش و تخصص لازم و کافی برای هدایت یا اجرای امور محوله می‌باشند.

در جریان تبادل اطلاعات معمولاً مشارکت لازم بین دستگاه‌های مختلف مرتبط با امور مدیریت بحران صورت نمی‌گیرد. این عدم همکاری نه تنها در دستگاه‌های اجرایی بلکه حتی در نهادهای علمی می‌تواند محدودیت‌هایی را در فعالیت‌های تحقیقاتی ایجاد نماید. لذا تسهیل جریان تبادل اطلاعات یکی از مهمترین نیازمندی‌های نظام مدیریت خطرپذیری کشور است که برای رفع آن باید تصمیمات عملی لازم در دولت اتخاذ شود.

در ساختار سازمانی اغلب نهادهای مرتبط با کاهش خطرپذیری سوانح، بحث چند جانبه بودن ابعاد مدیریت خطرپذیری چندان مورد توجه واقع نشده است و معمولاً بیشتر به جنبه‌های خاصی از این موضوعات پرداخته می‌شود. با توجه به اهمیت توجه به جامعیت نظام مدیریت خطرپذیری، الزام است دستگاه‌های ذی‌ربط نسبت به انجام هماهنگی امور مرتبط با کاهش خطرپذیری و مدیریت آن در سازمان‌های تخصصی خود اقدامات لازم مبتنی بر طرحی جامع و در انطباق با سیاست‌های کلی پیشگیری و کاهش خطرات ناشی از سوانح طبیعی کشور به انجام برسانند.

در پاره‌ای از موارد، برخی از ظرفیت‌ها و سخت‌افزارهای مدیریت سوانح به صورت تکراری در سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی ایجاد شده است. این موضوع علاوه بر افزایش مخارج، رقابت سازمانی و دوباره کاری را نزد این دستگاه‌ها ترغیب می‌کند و مرجع بودن دستگاه اصلی مدیریت بخشی سوانح را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

شرح وظایف مشابه در مجموعه قوانین و مقررات ملی مدیریت سوانح برای سازمان‌های مختلفی تبیین گردیده است. این موضوع باعث می‌شود که رقابت‌های سازمانی با داشتن مبانی قانونی افزایش یافته و از پیچیدگی بیشتری نیز برخوردار گردد. اینگونه موارد می‌بایست توسط دولت مرتفع و شرح وظایف به صورت شفاف تهیه و ابلاغ گردد.

لازم است ساختار سازمان مدیریت بحران کشور به گونه‌ای باشد که منجر به توان افزایشی موسسات و دستگاه‌های اجرایی در فرایند کاهش خطرات ناشی از سوانح طبیعی گردد و امکان حداکثر استفاده از دانش نوین مدیریتی نیز فراهم شود. در این خصوص می‌بایست ضمن شناسایی دقیق خلائهای موجود در سطوح سازمانی، ارتقا فرهنگ مدیریت دانش سوانح نیز در دستور کار قرار گیرد.

سازمان‌های دولتی (به جز هلال احمر) از نقش محدودی در نظام مدیریت بحران کشور برخوردارند با توجه به اینکه این سازمان‌ها می‌توانند به عنوان پل ارتباطی حاکمیت با مردم عمل نمایند و در جهت توسعه فرهنگ ایمنی و ارتقای آمادگی عملکرد مناسبی داشته باشند، لذا به نظر می‌رسد که می‌بایست از فعالیت‌های این نهادها در این رابطه حمایت نمود و با آشنا نمودن آنها با مباحث مرتبط، امکان نشر دانش ایمنی در سطح جامعه را فراهم آورد.»